چالش‌های هویّت دینی مسلمانان در جوامع غربی معاصر

یعقوب فروتن[1]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۰

چکیده

این مقاله بر پایه‌ی رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی و تبیین پیامدهای هویّت دینی در جوامع‌غربی می‌پردازد. اهمّیّت این موضوع ریشه در این واقعیّت دارد که به‌ویژه طی وقایع جهانی سال‌های اخیر مانند یازده سپتامبر، حیات و وضعیّت مسلمانان در غرب با تنگناهای جدّی مواجه شده است. این موضوع عمدتاً معطوف به وضعیّت زنان مسلمان است. زیرا نوع پوشش آنان به‌وضوح نمادهای فرهنگی مرتبط با هویّت اسلامی را در بطن فرهنگ و جامعه‌ی غربی علنی می‌کند. در این مقاله، ابتدا، طیف وسیع و متنوعی از جدیدترین مطالعات و تحقیقات در زمینه ی وضعیّت و پیامدهای پوشش اسلامی در جوامع غربی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سپس، تجزیه و تحلیل‌های آماری این تحقیق مبتنی بر مدل تئوریک نابرابری و تبعیض ناشی از هویّت فرهنگی- مذهبی و روش تحلیل رگرسیونی ارائه شده است. در مجموع، تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در این مقاله نشان داده که آن دسته از مسلمانان که هویّت مذهبی آنان به جهت استفاده از پوشش اسلامی به سهولت در بطن فرهنگ غربی علنی و شناخته شده تبعیض در جامعه‌ی غربی را به‌طور معنی‌داری بیش از دیگران تجربه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: هویّت دینی، پوشش زنان مسلمان، نابرابری و تبعیض، جوامع غربی معاصر.

مسأله‌ی تحقیق

به‌طور کلی، موضوع محوری در این مقاله معطوف به هویّت دینی است و به‌طور خاص، تلاش می‌کند تا پیامدهای ناشی از نمادها و سمبل‌های مشهود هویّت دینی به‌ویژه پوشش اسلامی را در جوامع غربی مورد بررسی و تبیین قرار دهد. در مجموع، موضوع پوشش اسلامی در جوامع غربی طی سال‌های اخیر با دو رویکرد اصلی مواجه شده است: از یک‌سو، گرایش به سوی استفاده از حجاب و پوشش اسلامی در میان بخش قابل ملاحظه‌ای از مهاجرین مسلمان به‌ویژه دختران جوان و نسل‌های جدید در جوامع غربی رو به افزایش نهاده است. از سوی دیگر، مواجهه جوامع غربی با باورها و سمبل‌های فرهنگی مذهبی مسلمانان به‌ویژه حجاب و پوشش اسلامی پس از وقایع

[1] – استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران y.foroutan@umz.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سال‌های اخیر مانند یازده سپتامبر شدّت یافته است که در واقع به‌عنوان معضل و معمایی برای فرهنگ غرب تلقی می‌شود؛ زیرا ملزم به تضمین آزادی‌های دینی و مذهبی نیز است. بدون تردید، این شرایط به میزان زیادی ناشی از جهت‌گیری‌های یک‌سویه و افکار قالبی منفی در بازنمایی موضوعات مرتبط با جهان اسلام و مسلمانان از سوی رسانه‌های غربی است. به‌عنوان مثال، بررسی الگوهای مرتبط با چگونگی بازنمایی حجاب زنان مسلمان در رسانه‌های غربی شامل نشریات و روزانه‌ی ادواری در کشورهای آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و سوئد طی یک دوره‌ی زمانی ده‌ساله(۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵) نشان داده است که در رسانه های غربی، حجاب اسلامی زنان به‌عنوان «نماد سیاسی منفی»، به‌ویژه در «آمریکا و انگلیس» و «نماد ضدحقوق زن»، به‌ویژه در آلمان، فرانسه و سوئد انعکاس یافته است(صفارودی ۱۳۸۹). این موضوع در بخش بعدی این مقاله با تفصیل بیش تری مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. بر همین اساس، مقاله‌ی حاضر معطوف به این پرسش‌های کلیدی است که آیا زندگی و وضعیّت زنان مسلمان در جوامع غربی تحت تأثیر هویّت دینی آنان به ویژه حجاب و پوشش است؟ شدّت این تأثیرگذاری تا چه حد است؟ به‌ویژه، از لحاظ رویکرد نابرابری و تبعیض، نوع پوشش و حجاب اسلامی چه نقشی در وضعیّت زنان در جوامع غربی دارد؟ سایر شرایط اساسی و عوامل تعیین‌کننده‌ی میزان تأثیرگذاری هویّت دینی به‌ویژه حجاب و پوشش اسلامی زنان بر روی زندگی و وضعیّت آنان در جوامع غربی کدامند؟ نویسنده می‌کوشد تا این پرسش‌های کلیدی را مورد بررسی قرار دهد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته عبارت است از تئوری نابرابری و تبعیض مبتنی بر هویّت فرهنگی دینی[1] که از سوی صاحبه‌نظرانی

[1]- Theory of Inequality and Discrimination associated with Cultural and Religious Identity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

هم‌چون کولینز[1](۱۹۸۸)، والبی[2](۱۹۸۸)، فوستر و همکاران[3](۱۹۹۱)، سورنسن[4](۱۹۹۳)، کار و چن[5](۲۰۰٤) مطرح شده است. اصطلاح «تبعیض»[6] به شیوه‌های گوناگون از سوی اندیشمندان حوزه‌های متعدد علوم اجتماعی تعریف شده است. به‌عنوان مثال، اقتصاددانان بیش‌تر به ابعاد اقتصادی آن توجّه می‌کنند و معتقدند که تبعیض عبارتست از این‌که افرادی که دارای سطح بهره‌وری و تولید اقتصادی برابر هستند، از درآمد و دستمزد نابرابر برخوردار باشند. درعین‌حال، اندیشمندان در برخی دیگر از حوزه‌های علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی معتقدند اگرچه سطوح متفاوت درآمد و دستمزد از مهم‌ترین سنجه‌های شناسایی و تبیین تبعیض و نابرابری شمرده می‌شوند، باید در نظر داشت که مفهوم تبعیض و نابربری تنها به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌شود. آنان برای تعریف و تبیین مفهوم تبعیض به دو دسته ویژگی‌های افراد استناد می‌کنند: ویژگی‌های محقق یا اکتسابی،[7] مانند تحصیلات، موفقیت‌های حرفه‌ای، ارتقای اجتماعی، ویژگی‌های محول یا انتسابی،[8] مانند نژاد، جنسیت و قومیت. به‌عبارت دقیق‌تر، مطابق نظریات جامعه شناسان، مفهوم تبعیض و نابرابری پدیده‌ای چند بعدی است و اصولاً ویژگی‌های محول یا انتسابی، مانند نژاد، جنسیت و قومیت به‌عنوان مهم‌ترین منابع آن شمرده می‌شوند که دامنه و شدّت آن می‌تواند تحت تأثیر عوامل دیگری هم‌چون هویّت فرهنگی و دینی افزایش یابد. به‌عنوان مثال، مطالعات آنکر[9](۱۹۹۸) و هم‌چنین تحقیقات تحقیقات کیلیان(۲۰۰٦) نشان می‌دهند که آن دسته از مهاجرینی که هویّت فرهنگی و دینی خود را به‌وضوح ارائه می‌کنند و بدین وسیله به سهولت به‌عنوان گروهی متفاوت

1- Collins
2- Walby
3- Foster, Marshall and Williams
4- Sorensen
5- Carr and Chen
6- Discrimination
7- Achieved Charactristics
8- Ascribed Charactristics
9- Anker

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

قابل شناسایی هستند، بیش از سایرین در معرض تجربه‌ی تبعیض هستند. بر پایه‌ی منابع سازمان ملل متحد(۲۰۰۰) و تحقیقات فراوان دیگر[1]، نابرابری و تبعیض علیه زنان همواره در طول تاریخ بشر به‌عنوان یک پدیده‌ی همیشگی، یکی از ویژگی‌های اساسی در تمام کشورهای جهان بوده است. به‌عنوان مثال، می‌توان به نظریه‌ی جامعه‌شناس معاصر، سینتیا اپستین[2](۲۰۰۷) اشاره کرد که در اثرش با عنوان «*اجزای بزرگ: مبانی فرهنگی، شناختی و اجتماعی فرودستی جهانی زنان*» خاطرنشان کرد که تبعیض و شکاف جنسیتی علیه زنان یک پدیده‌ی فراگیر در سرتاسر دنیا است و تنها تفاوت این است که در برخی مکان‌ها این تبعیض برجسته‌تر و گسترده‌تر، و در برخی نقاط دیگر این تفاوت خفیف تر و محدود است. بدین‌ترتیب، آن‌گاه که زنان در قالب گروه‌های اقلیت مهاجرتی باشند، این نابرابری و تبعیض نیز می‌تواند مضاعف باشد. در همین زمینه، به‌نظر می‌رسد که مطابق رویکرد نابرابری و تبعیض، آن دسته از زنان مهاجری که هویّت فرهنگی مذهبی خود را به نمایش می‌گذارند، بیش از همه در معرض تجربه‌ی تبعیض هستند(کیلی و مک آلیستر[3] ۱۹۸٤، اونس و کیلی ۱۹۹۱، کیلیان ۲۰۰٦). به‌عبارت به‌عبارت دقیق‌تر، ترکیب هم‌زمان جنسیت و مذهب و مهاجرت می‌تواند احتمال تجربه‌ی تبعیض را به‌طور قابل توجّهی افزایش دهد. این موضوع، به‌عنوان مثال، می‌تواند شامل آن‌دسته از زنان مسلمان مهاجری شود که علائم و نشانه‌های آشکاری، مانند اسامی اسلامی و یا پوشش و حجاب اسلامی، هویّت فرهنگی مذهبی آن‌ها را نمایان می‌کند. به‌نظر می‌رسد به‌ویژه در سال‌های اخیر رویکرد تئوریک مبتنی بر نابرابری و تبعیض، وضعیّت مسلمانان ساکن در جوامع غربی را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داده است که در بخش بعدی به طور مستقل و به تفصیل به این موضوع پرداخته می‌شود.

[1]- Ware (1993), Oppong (1993), Hakim (1996), Ashford (2001), Kaiser (2005)
[2]- Cynthia F. Epstein, (2007), Great divides: The cultural, cognitive, and social bases of the global subordination of women
[3]- Kelley and McAllister

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

مطالب مورد بحث در این مقاله مبتنی بر ترکیبی از روش های تحقیق متداول در مطالعات و تحقیقات اجتماعی مرتبط با منابع و داده‌های کمّی و کیفی است. بخش اول نتایج و یافته های این تحقیق مبتنی بر روش بررسی اسنادی و مطالعه ی کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه است. در این بخش، طیف وسیع و متنوعی از جدیدترین مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه‌ی وضعیّت و پیامدهای حجاب و پوشش اسلامی در جوامع غربی سرتاسر جهان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. به طور مشخص، مباحث این بخش به نقش حجاب و پوشش اسلامی زنان بر روی وضعیّت و زندگی آنان در ممالک اروپایی، ایالات متحده و کانادا می‌پردازد. ضمن آن‌که، باتوجّه به تأثیرات عمیق وقایعی هم‌چون یازده سپتامبر بر روی وضعیّت مهاجرین مسلمان در جوامع غربی، در این بخش مقاله توجّه ویژه‌ای نیز به تأثیرات چنین وقایعی در سال‌های اخیر بر روی مسلمانان محجّبه در جوامع غربی شده است. در این بخش تلاش شده است تا با استفاده از روش بررسی اسنادی و مطالعات کتابخانه ای، مهم‌ترین و جدیدترین منابع و تحقیقاتی که در نقاط مختلف جهان اعم از اروپا، ایالات متحده و کانادا، آسیا و اقیانوسیه انجام شده است، برجسته‌ترین الگوهای مرتبط با جایگاه و پیامدهای هویّت دینی مسلمانان در جهان غرب مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. این بخش از مباحث این مقاله مبتنی بر تجزیه و تحلیل تحقیقات برخی از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر در حوزه‌ی جامعه‌شناسی دین از جمله بیرتی سیم(۲۰۰۹) در سوئیس، ساولکول(۲۰۱۰) در هلند، هودل(۲۰۱۰) در اتریش، پرساد و لوکس(۲۰۰۰) در کانادا، سیندوگلو(۲۰۱۰) در ترکیه، مور(۲۰۰۶) و ویلیامز و واشی(۲۰۰۷) در ایالات متحده، ایمتوآل(۲۰۰۶) در استرالیا و واربورگ(۲۰۱۱) در فرانسه است.

بخش دوم مقاله مبتنی بر یافته‌های تجربی و آماری این تحقیق است. این تحقیق در محیط چند فرهنگی کشور استرالیا انجام گرفته است که در آن افراد متعلق به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرهنگ های گوناگون و ادیان و مذاهب مختلف از سرتاسر جهان زندگی می کنند. بیش از ۳۰۰ هزار مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که، پس از گروه اقلیت دینی بودایی ها، مسلمانان به‌عنوان دومین اقلیت دینی آن شمرده می‌شوند. بیش‌تر این مسلمانان را کسانی تشکیل می‌دهند که از چهار گوشه‌ی جهان به این کشور مهاجرت کرده‌اند؛ از منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، عمدتاً از کشورهای لبنان، سومالی، مصر، سوریه، کویت، اریتره و اتیوپی، از ترکیه و قبرس، از آسیای مرکزی و شمال شرقی آسیا، عمدتاً شامل کشورهای افغان استان، ایران و عراق؛ از جنوب آسیا و آسیای جنوب شرقی، عمدتاً از کشورهای اندونزی، پاکستان، بنگلادش، مالزی، سنگاپور و هندوستان؛ از اروپای شرقی، عمدتاً شامل کشورهای بوسنی و هرزه گوین، یوگسلاوی، آلبانی؛ و از ممالک پیشرفته‌ی صنعتی، شامل نیوزیلند، انگلستان و آمریکای شمالی داده‌های این بخش از تحقیق، مبتنی بر جداول ویژه‌ی نتایج سرشماری عمومی جمعیّت و مسکن کشور استرالیا در سال ۲۰۰۱ و مشتمل بر حدود ٤/٥ میلیون نفر جمعیّت زنان واقع در سنین اصلی فعّالیّت اقتصادی است. به‌علاوه، برای تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق از برنامه نرم افزار کامپیوتری SPSS و از روش رگرسیون لجستیک[1] استفاده شده است. این روش به لحاظ روش شناختی از این مزیت برخوردار است که تأثیر هر یک از متغیّرهای مورد نظر در مدل های تحلیلی را در شرایطی تعیین و مشخص می کند که سایر عوامل و متغیّرها تحت کنترل هستند. به‌طور مشخص‌تر، در این تحقیق، متغیّرهایی هم‌چون ساخت سنی، سطح تحصیلات، ویژگی‌های مهاجرتی و قومیّتی، مذهب(مسلمان و غیر مسلمان)، و ویژگی های مربوط به شکل‌بندی خانواده، شامل وضعیّت تأهل، وجود یا عدم وجود فرزند خردسال در منزل، سن خردسال‌ترین فرزند در خانه و میزان درآمد خانوار، به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در مدل‌های تحلیلی تحقیق کنترل شده‌اند و بر همین اساس، نتایج این تحقیق ارائه و بحث می‌شوند.

[1]- Logistic Regression Analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بدین‌ترتیب، یافته‌های ناشی از چنین تجزیه و تحلیل‌های آماری از اعتبار و دقت بالنسبه‌ی بالاتری در تبیین موضوع مورد مطالعه برخوردار هستند. در نتیجه، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق به لحاظ روش‌شناختی نیز این امکان را دارد که زمینه‌های پژوهشی مناسبی را برای شناخت و تبیین الگوها و پیامدهای هوین دینی مسلمانان در جوامع غربی ارائه کند.

نتایج و یافته‌های تحقیق

در این قسمت، نتایج و یافته‌های این تحقیق در دو بخش ارائه می‌شود. بخش اول به بررسی و تبیین نقش پوشش اسلامی در جوامع غربی می‌پردازد و به‌طور ویژه، ابعاد و پیامدهای حجاب زنان مسلمان در اروپا، ایالت متحده و کانادا را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در بخش دوم نیز نتایج تجزیه و تحلیل‌های آماری و تجربی این تحقیق در زمینه‌ی تأثیرات پوشش اسلامی بر روی وضعیّت زنان مهاجر ارائه می‌شود.

بخش اول- مروری تحلیلی بر نقش هویّت دینی در جوامع غربی

با توجّه به اهمّیّت موضوع و گستردگی مطالب، در این بخش به‌طور مستقل و با تفصیل بیش‌تری به بررسی و تحلیل جایگاه و پیامدهای هویّت دینی مسلمان با تأکید بر پوشش اسلامی در جهان غرب پرداخته می‌شود. در مجموع، تحقیقات بسیار گسترده‌ای در زمینه‌ی پیامدهای استفاده از حجاب اسلامی و پوشش زنان مسلمان در جوامع غربی صورت گرفته است. گفتنی است که در سال‌های اخیر، این قبیل تحقیقات به‌طور خیره کننده‌ای رو به افزایش نهاده است. این امر، تا حدود زیادی ریشه در تمایل فزاینده‌ی جهان غرب نسبت به شناخت دین اسلام و وضعیّت مسلمانان دارد که به‌طور خاص بر وضعیّت زنان مسلمان مصداق می‌یابد زیرا حجاب و پوشش اسلامی آنان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی- مذهبی است که به روشنی هویّت اسلامی را در بطن جامعه‌ی غربی متجلّی کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱- هویّت دینی مسلمانان در ممالک اروپایی

علاوه بر تحقیقات موردی متعددی که به طور مستقل در هریک از کشورهای اروپایی و امریکا در زمینه‌ی پوشش اسلامی زنان انجام گرفته است، می‌توان به پروژه‌ی تحقیقاتی مشترک قاره‌ای با عنوان «حجاب: تساوی ارزش‌ها & تفاوت‌ها در دموکراسی‌های لیبرال[1]» اشاره کرد که به بررسی ابعاد گوناگون مرتبط با استفاده از حجاب اسلامی و پوشش زنان مسلمان در اماکن عمومی به‌ویژه در مدارس، دانشگاه‌ها و دادگاه‌ها در بیش‌تر کشورهای اروپایی می‌پردازد. مطابق نتایج این پروژه‌ی تحقیقاتی، موضوع حجاب زنان مسلمان در کشورهای اروپایی به‌عنوان معمایی برای فرهنگ غرب تلقی شده است زیرا از یک سو موظف به تأمین حقوق و انتظارات شهروندان و کارفرمایان غربی است و از سوی دیگر نیز متعهد به تضمین آزادی‌های دینی و مذهبی است(بیرتی سیم[2] ۲۰۰۹). در یک چارچوب گسترده‌تر در زمینه‌ی هویّت و نمادهای اسلامی، می‌توان حتّی به تجربه‌ی کشوری مانند سوییس اشاره کرد که عموماً به‌عنوان یک کشور «مدافع و پشتیبان مدارا و سعه‌ی صدر» شناخته می‌شود؛ در حالی‌که تنها ٤ مناره‌ی اسلامی در این کشور وجود دارد، در یک رأی‌گیری عمومی در پاییز سال ۲۰۰۹ با ساخت هرگونه مناره‌ی جدید مخالفت شده است و قرار است که این مصوبه‌ی عمومی در متن قانون اساسی این کشور نیز ثبت شود. جالب آن‌که، در همان قانون اساسی آزادی ادیان و مذاهب گوناگون تضمین شده است. در آلمان نیز چنین نگرش‌های منفی نسبت به هویّت و نمادهای اسلامی مشاهده شده است: در این کشور بیش از ۳ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند و تقریباً ۱۵۰ مسجد مسلمانان در این کشور وجود دارد. اگرچه بسیاری از شهروندان این کشور معتقدند که حاضرند در کنار مسلمانان کار کنند، اما ساختن مساجد جدید را یک تهدید فرهنگی آشکار تلقی

[1]- Veil: Values Equality & Differences in Liberal Democracies
[2]- Birte Siim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

می‌کنند(به نقل از دیلون،[1] ۲۰۱۰: ۱۵۰-۱۵۱). اخیراً، ساولکول[2] و همکاران(۲۰۱۰) به بررسی نگرش مردم هلند نسبت به مسلمانان این کشور پرداخته‌اند. در این تحقیق از طیف لیکرت و ۹ گویه استفاده شده است(از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم»). یکی از گویه‌ها در این تحقیق این بود: «زنان مسلمانی که از حجاب استفاده می‌کنند، نشانه‌ی این است که آنان فرهنگ کشور ما(هلند) را نپذیرفته‌اند». در پایان، تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق نشان داده است که نگرش‌های ضداسلامی[3] به‌طور قابل ملاحظه‌ای در این جامعه وجود دارد. در کشور اتریش نیز این گونه نگرش‌های ضد اسلامی مشاهده شده است؛ اگرچه در مقایسه با برخی کشورهای اروپایی دیگر، این گونه نگرش‌ها در این کشور به‌صورت ملایم‌تر وجود دارد. به‌عنوان مثال، هم‌چنان‌که هودل[4](۲۰۱۰) نشان داده است، وزیر کشور اتریش در سال ۲۰۰۵ مدعی شده است معلّمان مسلمانی که با حجاب و پوشش اسلامی در مدرسه حاضر می‌شوند، باعث ایجاد مشکلات متعددی شده‌اند. به‌علاوه، نتایج تحقیق فرانکس[5](۲۰۰۰) بر روی زنان مسلمان محجّبه‌ی بریتانیایی و هم چنین نتایج تحقیق اونس و بولبی[6](۲۰۰۰) مبتنی بر مطالعات کیفی و مصاحبه‌های عمیق در زمینه‌ی وضعیّت اشتغال زنان مسلمان پاکستانی مقیم بریتانیا نشان داده است علیرغم این‌که این زنان مسلمان از سطح تحصیلی بالا و تجربه‌ی شغلی مناسبی برخوردار بودند، به شکل‌های مختلف مورد تبعیض‌های نژادی و مذهبی واقع شده‌اند.

1- Dillon
2- Savelkoul et al
3- Anti-Islamic Attitudes
4- Hodl
5- Franks, M.
6- Evans and Bowlbey

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۲- هویّت دینی مسلمانان در کانادا و آسیا

در کانادا، پروژه‌ی تحقیقاتی گسترده‌ای درباره‌ی نقش حجاب و پوشش اسلامی بر روی وضعیّت اشتغال زنان مسلمان با عنوان «هیچ حجابی در این جا مجاز نیست»(پرساد و لوکاس ۲۰۰۲)[1] انجام گرفت. در این تحقیق، افراد و گروه‌ها و انجمن ها و سازمان های متعدد مرتبط با زنان مسلمان در این کشور مورد استفاده و مطالعه قرار گرفتند. داده های این تحقیق با استفاده از روش های گوناگون مانند مشاوره با سازمان‌ها و انجمن‌های زنان مسلمان، جلسات بحث و گفتگوی گروهی، تحقیقات پیمایشی، مصاحبه‌های چهره‌به‌چهره در محل کار، مصاحبه‌های عمیق خارج از محل کار، تکمیل پرسش‌نامه‌های مربوطه به تحقیق ازسوی کارفرمایان و بنگاه‌های کاریابی گردآوری شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که در مراحل مختلف مرتبط با اشتغال، یعنی هم برای زنانی که در مرحله‌ی جستجو و پیدا کردن یک شغل هستند، هم برای زنان مسلمان شاغل در محل کار آنان، این زنان به سبب حجاب و پوشش اسلامی شان با نابرابری و تبعیض مواجه شده اند. علاوه بر این، تنگناهای ناشی از استفاده از حجاب و پوشش اسلامی زنان را می‌توان حتّی در برخی کشورهای ملاحظه کرد که بیش تر جمعیّت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می دهند. به‌عنوان مثال، استفاده از حجاب و پوشش اسلامی در بسیاری از اماکن عمومی و مدارس در ترکیه، متأثر از برنامه‌های لاییک آتاتورک، ممنوع است. طی سال های اخیر، تلاش‌های حزب اسلامی «عدالت و توسعه» برای لغو این قانون، در پی مقاومت رسانه ها، ارتش و شورای آموزش عالی ناکام ماند؛ به‌طوری‌که حتّی در سال ۲۰۰۵ از ورود همسر نخست‌وزیر وقت این کشور، عبدالله گل، نیز به دانشگاه با استفاده از پوشش و حجاب اسلامی جلوگیری به‌عمل آمد. نتایج یک تحقیق جدید در ترکیه(سیندوگلو[2] ۲۰۱۰) نشان داده است که قانون منع حجاب اسلامی این کشور در اماکن عمومی به‌ویژه در محل کار، در حالی‌که در حدود

[1]- No Hijab Is Permitted Here(Persad and Lukas)
[2]- Cindoglu

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۷۲ درصد جمعیّت زنان آن محجّبه هستند، باعث کاهش سطح اشتغال زنـان در بخـش عمومی و کاهش مضاعف سـطح اشـتغال زنـان در بخـش خصوصـی شـده اسـت. در حالی‌که، چنین محدودیتی برای زنان در کشورهای مسلمان انـدونزی و مـالزی وجـود ندارد و بالتبع سطح اشتغال زنان نیز بالنسبه بالا است. نتایج تحقیق هیسینی[1](۱۹۹٤) بر روی زنان محجّبه با تحصیلات دانشگاهی در مراکش نیز وضعیّت کمابیش مشـابهی را در این کشور مسلمان نشان داده است: آنان حجاب را به‌عنـوان شـیوه ای بـرای حفـظ اعتقادات خود در زمینه‌ی حضور زنان در عرصه‌ی عمومی تلقی می‌کنند و بدین‌ترتیب، حجاب کمک می‌کند تا اشتغال آنان تسهیل شود.

۳- هویّت دینی مسلمانان در ایالات متحده پس از واقعه‌ی یازده سپتامبر

پس از بروز وقایع دهه‌ی اخیر مانند واقعه‌ی یازده سپتامبر ۲۰۰۱، تبعـیض‌هـای نژادی و مذهبی علیه مسلمان خصوصاً زنان محجّبه، ازجمله در محـل کـار و وضـعیّت شغلی آن‌ها در کشورهای غربی به‌ویژه ایالات متحده به‌طور چشـمگیری شـدّت یافتـه است. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیق مور[2](۲٤٥: ۲۰۰۷) نشان داده است که طی نزدیک بـه یک‌سال قبل از این واقعه، در حدود ۱۹۳ مورد گزارش تبعیض علیه مسـلمانان امریکـا وجود داشت. در حالی‌که، میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا تقریباً ۹ ماه بعد از آن، نزدیـک بـه ۵۰۰ مورد به‌طور رسمی گزارش شد که نشان می‌داد مسـلمانان امریکـا بـه‌شـکل‌هـای مختلف، به‌ویژه به جهت استفاده از پوشش و حجاب اسلامی در اماکن عمومی از جمله در زمینه‌ی اشتغال و در محل کار، قربانی تبعیض و نابرابری شده‌اند. به‌علاوه، تحقیقات جداگانه‌ی متعددی به‌منظور بررسی پیامدهای واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر بر زندگی مسـلمانان به‌ویـژه زنـان محجّبـه انجـام گرفتـه اسـت. بـه‌عنـوان مثـال، نتـایج تحقیـق هـالاک و کوییناً[3](۲۰۰٤) بر روی زنان مسلمان مهـاجر متعلـق بـه قومیّـت‌هـای مختلـف، شـامل

[1]- Hessini
[2]- Moore
[3]- Hallak and Quina

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

بنگلادشی، اتیوپیایی، ایرانی، پاکستانی، فلسطینی، و یمنی مقیم در ایالات متحده نشان داده است که این زنان مسلمان به شکل‌های مختلف، تبعیض و نابرابری را به‌وضوح تجربه کرده‌اند. تحقیق جدیدتری(غفاری ۲۰۰۹) که با استفاده از روش کیفی و مصاحبه‌های عمیق بر روی دختران مسلمان ۱۸ تا ۲۲ ساله در ایالات متحده انجام گرفت، نشان می‌دهد که این زنان مسلمان نیز هدف رفتارهای تبعیض‌آمیز قرار گرفته‌اند. هم‌چنین می‌توان به نمونه‌های موردی متعددی اشاره کرد که نشان می‌دهد حجاب و پوشش اسلامی به تبعیض علیه زنان مسلمان منجر شده است. به عنوان مثال، در ماه مارس ۲۰۰۲، در حالی‌که دو زن مسلمان محجّبه در بخش خدمات حمل ونقل مسافری در شهر نیویورک ایالات متحده مشغول کار بودند، از آن‌ها خواسته می‌شود که یا حجاب و پوشش اسلامی‌شان را بیرون آورند یا لباس یونیفورم کاری خود را بر روی حجاب و پوشش اسلامی بپوشند. وقتی این دو زن مسلمان مخالفت می کنند، مأموران در حضور مسافرین، این دو زن مسلمان محجّبه را از کار برکنار می‌کنند(به نقل از بودی- گندروت ۲۰۰۷: ۳۰۰). به‌علاوه، آبراهام[1](۲۰۰۶: ۱۷۷) به وضعیّت یک دختر دانش آموز مسلمان اشاره می‌کند که در اکتبر سال ۲۰۰۳ به‌علت حجاب و پوشش اسلامی از مدرسه‌ای در یکی از مدارس ایالت اوکلاهامای امریکا اخراج شد؛ هرچند پس از انجام بررسی‌های قضایی، در ماه مارس سال بعد دادگاه این حق را به وی داد که می‌تواند با همان پوشش اسلامی به مدرسه بازگردد. با این‌همه، نکته‌ی قابل تأمل این است که تحقیقات اخیر نشان‌دهنده‌ی پیدایش پدیده‌ی رو به گسترشی با عنوان «فرآیند تجدید اسلام‌گرایی»[2](حداد، ۲۰۰۷) است که در آن، حجاب و پوشش اسلامی زنان نقش کلیدی ایفا کند و اعتقاد بر این است که این فرآیند پس از واقعه‌ی یازده سپتامبر، اوج و شتاب بیش‌تری پیدا کرده است. به‌عنوان مثال، مطابق تحقیقات ویلیامز و

[1]- Abraham
[2]- The Process of Re-Islamization

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

واشی[1](۲۰۰۷) و حداد(۲۰۰۷)، جامعه‌ی امریکا ناظر رشد روزافزون تعداد دختران نسل‌های جدید مهاجرین مسلمان است که با حجاب و پوشش اسلامی در اماکن عمومی ظاهر می‌شوند. زیرا این دختران مسلمان در پرتو حجاب اسلامی خود، احساس هویّت می کنند و به کمک آن می‌توانند موجودیت و هویّت خود را در فرهنگ غربی ابراز و حفظ کنند.

٤- رویکردهای جوامع غربی در مواجهه‌ی هویّت دینی مسلمانان

علاوه بر این، تجزیه و تحلیل پژوهش‌های موضوع مبیّن این نکته‌ی اساسی است که تفاوت‌های برجسته‌ای در زمینه‌ی نحوه‌ی برخورد جوامع غربی با موضوع حجاب و پوشش زنان مسلمان وجود دارد و در تبیین این تفاوت‌ها باید نقش تعیین کننده، جهت‌گیری های سیاسی مورد توجّه قرار گیرد. به‌عنوان مثال، می‌توان به تحقیق یکی از پژوهشگران اروپایی به‌نام بیرتی سیم(۲۰۰۹) اشاره کرد که نمونه‌هایی از این تفاوت‌ها در محل کار را نشان داده است: از یک‌طرف، در کشوری مانند دانمارک به کارفرمایان این اجازه داده می‌شود که اگر بخواهند آنان می‌توانند از استخدام زنان محجّبه مسلمان خودداری کنند؛ از طرف دیگر، در کشوری مانند نروژ چنین اقدامی به‌عنوان نقض قانون تساوی جنسیتی تلقی می‌شود و زنان مسلمان می‌توانند با حجاب و پوشش دلخواه خود در محل کار حاضر شوند. وی استدلال می کند که این وضعیّت بالنسبه متفاوت در کشورهایی مانند نروژ و سوئد ناشی از قدمت تاریخی طولانی‌تر تساوی اجتماعی و جنسیتی و سازمان‌های زنان است که به نوبه‌ی خود حتّی تأثیر جدّی‌تری نیز بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی دارند. به‌علاوه، هم‌چنان‌که واربورگ[2](۲۰۱۱) خاطر نشان کرده است، یکی دیگر از نمونه‌های مرتبط با ملاحظات و حساسیت‌های سیاسی جوامع غربی نسبت به موضوع حجاب و پوشش اسلامی، مطالبه‌ی سیاسی جدّی برخی دولتمردان کشورهای غربی مانند فرانسه، هلند و دانمارک

[1]- Williams and Vashi
[2]- Warburg

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

از مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی است تا بر پایه مطالعات و تحقیقات علمی، تعداد زنان مسلمانی که از حجاب و پوشش اسلامی استفاده می کنند را برآورد کنند. گفتنی است که مواجهه با حجاب و پوشش اسلامی در برخی کشورهای غربی از طریق ممنوعیت قانونی بوده است. به‌عنوان مثال، می‌توان به تجربه‌ی کشور فرانسه اشاره کرد: در سال ۲۰۰۳، رئیس جمهور وقت این کشور، ژاک شیراک، اعلام کرد که نه تنها استفاده از نمادهای مذهبی مانند حجاب از سوی دانش آموزان و معلمین مدارس و کارکنان بخش های عمومی و دولتی باید ممنوع باشد، بلکه حتّی کارفرمایان بخش خصوصی نیز باید این حق را داشته باشند تا بتوانند از هرگونه استفاده از نشانه های مذهبی در محل کار جلوگیری کنند(به نقل از مور ۲۰۰۷: ۲۳۷). این درخواست در سال بعد به تصویب مجلس این کشور رسید. قانون ممنوعیت حجاب اسلامی در اکتبر سال ۲۰۱۰ از سوی عالی ترین مرجع قانون اساسی این کشور نیز پذیرفته شد. مطابق این قانون، زنانی که حجاب اسلامی دارند هم باید جریمه‌ی نقدی(به مبلغ ۱۵ یورو) بپردازند هم صلاحیت احراز حق شهروندی را از دست می‌دهند؛ ضمن آن‌که، برای کسانی که زنان را به پوشیدن حجاب اسلامی ترغیب کنند نیز مجازات زندان بمدت یک سال و جریمه نقدی به مبلغ ۱۵ هزار یورو در نظر گرفته شده است. مطابق تحقیق بودی- گندروت[1](۲۰۰۷: ۲۹۳)، تعداد کل جمعیّت مسلمانان در فرانسه میان ۳ تا ٦میلیون نفر تخمین زده شده است که از میان آن‌ها ۱۲۰۰ نفر دختران مسلمانی هستند که حجاب و پوشش اسلامی دارند.

بخش دوم- نتایج تجزیه و تحلیل‌های تجربی و آماری تحقیق

به‌طور کلی، نوع پوشش و حجاب زنان مسلمان به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های فرهنگ اسلامی، می‌تواند تأثیرات عمیقی بر زندگی و وضعیّت آنان در جوامع غیر اسلامی داشته باشد. هم چنان که پیش‌تر نیز در بخش بررسی تحلیلی

[1]- Body-Gendrot

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی موضوع این مقاله به تفصیل اشاره شد، بدیهی است که در صورت وجود تبعیض علیه مهاجرین و اقلیت‌های قومی و مذهبی، زنان مسلمان یکی از بارزترین گروه‌های اجتماعی در معرض تبعیض شمرده می‌شوند؛ زیرا نوع حجاب و پوشش اسلامی باعث می‌شود که آنان به‌وضوح و به سهولت به‌عنوان یک گروه اقلیت قومی مذهبی شناسایی شوند. ضمن آن‌که، این نکته نیز تأکید شد که طی سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از بروز رخدادهایی مانند واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر، این نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان علی‌الخصوص زنان محجّبه در کشورهای غربی، شدّت یافته است. داده‌های جدول شماره‌ی یک، مهم‌ترین ویژگی‌های جمعیّتی مسلمانان و غیر مسلمانان در این تحقیق نشان می دهد. گفتنی است که این ویژگی‌های جمعیّتی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی منزلت و موفقیت آنان در زمینه‌ی‌های اقتصادی اجتماعی نیز شمرده می‌شوند(رک: فروتن، ۲۰۰۹).

مطابق داده‌های این جدول، مسلمانان از ترکیب سنی بالنسبه جوان‌تری برخوردارند. به‌علاوه، اگرچه مسلمانان از سطوح بالنسبه بالایی از تحصیلات و تسلط به زبان انگلیسی برخوردارند، از سایرین پایین‌تر است. به‌عنوان مثال، نسبت آن دسته از مسلمانانی که میزان تحصیلات و تسلط به زبان انگلیسی آنان در سطح پایین است، سه برابر بیش‌تر از میزان‌های مشابه در جمعیّت غیر مسلمانان است. درعین‌حال، چون تجزیه و تحلیل های اصلی این تحقیق مبتنی بر روش رگرسیون لجستیک است، این تفاوت‌های ویژگی‌های جمعیّتی در مدل‌های تحلیلی این تحقیق کنترل شده است.

جدول شماره‌ی یک: توزیع نسبی ویژگی‌های جمعیّتی مسلمانان و سایرین(٪)

ویژگی‌های جمعیّتی	زنان مسلمان	سایرین
تحصیلات		
تحصیلات عالی	۲۲/۶	۲۷/۷
تحصیلات مازسوی	۵۸/۹	۶۶/۶
تحصیلات پایین	۱۸/۵	۵/۷
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

گروه سنی		
۲٤-۱۵	۳۰/۸	۲۲/۳
۳٤-۲۵	۳۰/۲	۲۵/۵
٤٤-۳۵	۲۴/۳	۲۷/۱
٥٤-٤٥	۱۴/۷	۲۴/۱
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
میزان تسلط زبان انگلیسی		
عالی	۴۵/۸	۷۶/۴
مازسوی	۳۱/۶	۱۵/۲
پایین	۲۲/۶	۸/۴
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰
طول مدت اقامت		
۱۰ سال و بیش‌تر	۵۱/۰	۶۹/۳
کم‌تر از ۱۰ سال	۴۹/۰	۳۰/۷
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰

به‌علاوه، یکی از مناسب‌ترین عرصه هایی که می‌توان احتمال وجود این‌گونه نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز را مورد مطالعه و بررسی علمی قرار داد، عرصه‌ی اشتغال و بازار کار است؛ زیرا مطالعات متعدد(کولینز ۱۹۸۸، گری بوما[1] ۱۹۹٤، وندنهوول و وودن[2] ۱۹۹٦) نشان داده است که وضعیّت اشتغال و کیفیت حضور در بازار کار ارتباط تنگاتنگی با سطح استاندارد زندگی و موفقیت افراد دارد. بر همین اساس، در این بخش از مقاله به یافته های آماری و تجربی این تحقیق درخصوص پیامدهای پوشش و حجاب اسلامی زنان در جامعه‌ی غربی پرداخته می‌شود. جزئیات مربوط به ویژگی‌های جامعه‌ی آماری این تحقیق پیشتر در بخش روش‌شناسی و داده‌های تحقیق توضیح داده شده است. یافته‌های مقدّماتی و توصیفی این تحقیق در

[1]- Gary Bouma
[2]- VandenHeuvel and Wooden

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی یک، و نتایج تجزیه و تحلیل‌های پیشرفته و رگرسیونی این تحقیق نیز در نمودار شماره‌ی یک نشان داده شده است. مطابق تجزیه و تحلیل‌های مقدّماتی این تحقیق، از یک‌سو، در حدود یک سوم زنان مسلمان، شاغل هستند. ضمن آن‌که، بررسی وضعیّت اشتغال زنان مسلمان به تفکیک وضعیّت مهاجرت نشان می‌دهد که میزان اشتغال در میان مهاجرین نسل دوم بیش از مهاجرین نسل اول است؛ به ترتیب، ۳۸ درصد و ۲۸ درصد. از سوی دیگر، میزان اشتغال برای سایر زنان بیش از ٦۰ درصد است(جدول شماره‌ی یک).

جدول شماره‌ی دو: توزیع نسبی وضعیّت اشتغال مسلمانان و غیرمسلمانان برحسب وضعیّت مهاجرت

وضعیّت اشتغال	مسلمانان			سایرین		
	کل	مهاجرین	بومیان(نسل دوم مهاجرین‌مسلمان)	کل	مهاجرین	بومیان
شاغل	۳۰/۷	۲۸/۴	۳۸/۴	۶۳/۲	۶۰/۲	۶۶/۶
بی‌کار	۶۷/۹	۷۰/۲	۶۰/۴	۳۳/۶	۳۹/۰	۳۲/۹
اظهار نشده	۴/۱	۴/۱	۱/۲	۳/۲	۰/۸	۰/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

علاوه بر این، نتایج مدل‌های تحلیلی و رگرسیونی این تحقیق در نمودار شماره‌ی یک نشان داده شده است. به‌طور خلاصه، این نمودار نشان می‌دهد که آیا اساساً میان زنان مسلمان و سایر زنان از لحاظ وضعیّت اشتغال تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ و در صورت وجود تفاوت، سطح معنی‌داری این تفاوت چقدر است؟ با توجّه به استفاده از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک، این نتایج در شرایطی است که هم‌زمان تأثیر سایر عوامل مرتبط مانند سطح تحصیلات، سن، مهارت و تسلط به زبان خارجی، طول سال‌های اقامت در مقصد مهاجرت و... در مدل‌های تحلیلی کنترل شده‌اند. مطابق نتایج این تحقیق، برجسته‌ترین الگویی که در این نمودار استنباط می‌شود

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این است که تفاوت معنی‌داری میان هویّت دینی و سطح اشتغال وجود دارد: به‌طور کلی، سطح اشتغال زنان مسلمان نسبت به سایر زنان به‌طور معنی‌داری پایین‌تر است. نکته‌ی به‌مراتب مهم‌تر این است که این الگو به‌طور کاملاً برجسته‌تری بر زنان مسلمان مهاجر متعلق به منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، عمدتاً از کشورهای لبنان، سومالی، مصر، سوریه، کویت، اریتره و اتیوپی، مصداق دارد. این زنان مسلمان از سطح اشتغال به‌مراتب پایین‌تری نسبت به سایر زنان برخوردارند. در حالی‌که، زنان مسلمان مهاجر متعلق به مناطقی مانند آفریقای نیمه صحرایی و اروپای شرقی، عمدتاً شامل کشورهای بوسنی و هرزه گوین و یوگسلاوی سابق و آلبانی، از میزان اشتغال بالنسبه بالاتری برخوردارند و بالتبع، سطح تفاوت آنان نیز با مهاجرین غیر مسلمان متعلق به همان مناطق بسیار اندک و قابل اغماض است. به‌عبارت دقیق‌تر، در یک رویکرد مقایسه‌ای، نتایج این تحقیق(در نمودار شماره‌ی یک) به‌وضوح مبیّن این نکته‌ی کلیدی است که زنان مسلمان مهاجر متعلق به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از پایین‌ترین سطح اشتغال برخوردارند.

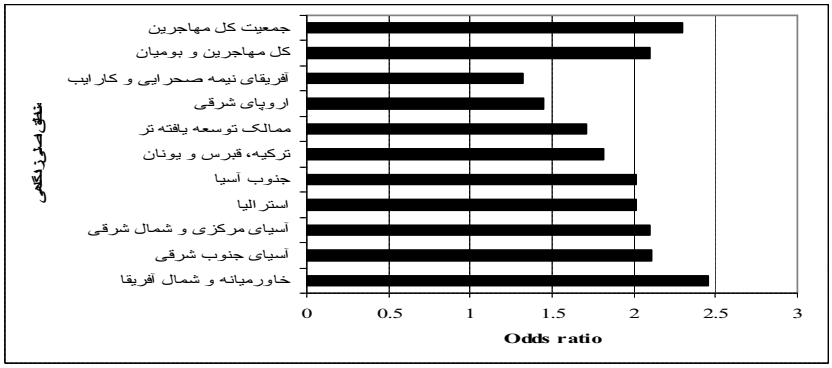
از زاویه‌ی نگرش تبعیض، این تفاوت‌های فاحش میان زنان مسلمان و سایر زنان را می‌توان تاحدودی مطابق تئوری تبعیض و نابرابری برخاسته از هویّت مذهبی مانند حجاب و پوشش اسلامی آنان تبیین کرد. در چارچوب این تبیین، سطح بسیار پایین اشتغال زنان مسلمان مهاجر متعلق به منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا را نیز می‌توان ناشی از این واقعیّت دانست که هویّت مذهبی آنان به آسانی و به روشنی قابل تشخیص است؛ زیرا این زنان مسلمان حتّی در جوامع غربی نیز غالباً تمایل به حفظ و تداوم هویّت مذهبی خود مانند حجاب و پوشش اسلامی و یا اسامی اسلامی دارند و بر اساس چنین علائم و نمادهای هویّت اسلامی، این دسته از زنان مسلمان به آسانی به‌عنوان یک گروه اقلیت مذهبی متفاوت در جامعه‌ی غربی شناخته می‌شوند. در نتیجه، این دسته از زنان مسلمان که تمایل بیش‌تری به حفظ و تداوم حجاب و پوشش اسلامی خود در جامعه‌ی غربی دارند، از مهم‌ترین گروه‌هایی شمرده می‌شوند که تبعیض و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نابرابری را تجربه می‌کنند؛ زیرا تئوری تبعیض نیز این واقعیّت را تأیید می‌کند که چنین گروه های اقلیت قومیِ دارای هویّت فرهنگی مذهبی متفاوت کـه بـه آسـانی نیـز قابـل شناسایی هستند، بیش‌تر در معرض تجربه‌ی تبعیض هستند(اونس و کیلی ۱۹۸٦، آنکـر ۱۹۹۸، کار و چن ۲۰۰٤، کیلیان ۲۰۰٦). علاوه بر این، سطح بالنسبه بالاتر اشتغال زنـان مسلمان مهاجر متعلق به سایر مناطق مانند اروپای شرقی را نیـز مـی‌تـوان کمـابیش در چارچوب همین تئوری تبعیض برخاسته از هویّـت مـذهبی ماننـد حجـاب و پوشـش اسلامی تبیین کرد. بدین معنا که وضعیّت این دسته از زنان مسلمان از لحاظ حجاب و پوشش اسلامی به‌گونه‌ای است که نمی‌توان هویّت دینی آنـان را لزومـاً در قالـب‌هـای مشهود و ظاهری مانند اسامی و پوشش اسـلامی(حجـاب) بـه سـهولت و بـه وضـوح تشخیص داد. بنابراین، با توجّه به این‌که این زنـان مسـلمان بـه آسـانی و بـه روشـنی به‌عنوان یک گروه اقلیت مذهبی متفاوت در جامعـه‌ی غربـی قابـل شناسـایی نیسـتند، به‌طور نسبی کم‌تر در معرض تجربه‌ی تبعیض هستند. لازم به ذکر است که در جوامـع مسلمان سرتاسر دنیا شیوه هـای متعـددی درخصـوص علائـم و نشـانه هـای هویّـت فرهنگی و مذهبی مرتبط با وضعیّت زنان، از جمله، درخصوص نوع و نحوه‌ی پوشـش ظاهری زنان مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال، نتایج تحقیقات متعدد(مقدم ۱۹۹۹، سـعید ۲۰۰۳، کیلیان ۲۰۰٦، بیتر و مارتینز ۲۰۱۰، فورست ۲۰۱۱) نشان داده است که در برخی جوامع مسلمان، مانند عربستان سعودی و افغان استان، زنان کاملاً، حتّی صورت آن‌هـا، پوشیده هستند، به‌طوری‌که نمی‌توان آنان را شناخت؛ در حـالی‌کـه در بعضـی دیگـر از جوامع مسلمان مثلاً در افریقا و جنوب شرقی آسیا زنان مسلمان به‌هیچ‌وجـه ایـن‌گونـه پوشیده نیستند. به همین سبب، وضـعیّت و جایگـاه زنـان مسـلمان در جوامـع غربـی، به‌ویژه، موضوع اشتغال و بازار کار، به‌طور معنی‌داری تابعی از نوع و کیفیت پوشـش و حجاب اسلامی آنان است.

نمودار شماره‌ی یک: نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک به تفکیک مناطق اصلی زادگاهی زنان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



توضیحات:(۱) این نمودار، نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک این تحقیق را درخصوص تأثیر مذهب(تفاوت میان زنان مسلمان و غیر مسلمان) بر روی وضعیّت اشتغال نشان می‌دهد. درخصوص «وضعیّت اشتغال»(که در بردارنده ی مقوله‌های «شاغل» و «غیر شاغل» است)، نتایج مربوطه نشان می‌دهند که زنان غیر مسلمان نسبت به زنان مسلمان چقدر شانس یا احتمال «شاغل» بودن دارند(۲) در دو مورد اول در قسمت بالای نمودار، احتمال اشتغال را به تفکیک برای «جمعیّت کل مهاجرین» و «کل مهاجرین و بومیان»(در هر مورد، غیر مسلمانان نسبت به مسلمانان) نشان می‌دهد(۳) در سایر موارد، این نتایج در این نمودار به تفکیک مناطق اصلی زادگاهی زنان(یعنی تفاوت میان زنان مسلمان و غیر مسلمان در هر یک از این مناطق) نشان داده شده‌اند. به عنوان مثال، برای منطقه‌ی «خاورمیانه و شمال آفریقا»، شانس یا احتمال شاغل بودن زنان غیر مسلمانی که زادگاه و محل تولد آنان این منطقه است تقریباً ۲,۵ برابر زنان مسلمانی است که متعلق به همین منطقه هستند.(٤) تقسیم بندی مناطق اصلی در این نمودار مبتنی بر چگونگی توزیع جمعیّت زنان مسلمان در جریان مطالعات اولیه انجام گرفته است.(۵) فهرست عمده ترین کشورها به تفکیک هر یک از این مناطق اصلی در متن این مقاله ذیل عنوان «داده‌ها و روش تحقیق» ارائه شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خلاصه و نتیجه گیری

در این مقاله، موضوع محوری هویّت دینی با تأکید بر پوشش اسلامی زنان در جوامع غربی، در دو بخش مرتبط با هم‌دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل‌های بخش اول این مقاله نشان داده است که به‌ویژه طی دهه‌ی اخیر، موضوع حجاب و پوشش اسلامی زنان در جوامع غربی به طور گسترده و فزاینده‌ای مورد توجّه دانشمندان و سیاستمداران در این جوامع قرار گرفته است که عمدتاً ناشی از این واقعیّت است که پوشش زنان مسلمان به‌وضوح هویّت اسلامی را در بطن فرهنگ و جامعه‌ی غربی نمایان می‌کند. تجزیه و تحلیل‌های این بخش نشان داده است که مسلمانان در جوامع غربی به‌ویژه زنان محجّبه به‌طور فزاینده و چشمگیری با رفتارهای تبعیض‌آمیز در این جوامع و بازار کار آن مواجه شده‌اند. ضمن آن‌که، بروز رخدادهای سال‌های اخیر به‌ویژه واقعه‌ی یازده سپتامبر باعث تشدید این رفتارهای تبعیض‌آمیز نیز شده است. درعین حال، گرایش به سوی استفاده از حجاب و پوشش اسلامی در میان مسلمانان در غرب به‌ویژه نسل دوم مهاجرین مسلمان در سال‌های اخیر رو به افزایش نهاده است؛ بدان سبب که این دختران مسلمان معتقدند که استفاده از حجاب اسلامی به آن‌ها احساس هویّت می‌دهد و بدین می‌توانند می‌شوند تا موجودیت و هویّت خود را در فرهنگ غربی ابراز و حفظ کنند. علاوه بر این، در بخش دوم این مقاله با استفاده از روش تجزیه و تحلیل‌های رگرسیونی و مدل تئوریک تبعیض مبتنی بر هویّت فرهنگی مذهبی، مهم‌ترین نتایج این تحقیق درخصوص پیامدهای استفاده از پوشش و حجاب اسلامی بر روی وضعیّت زنان مسلمان در جامعه‌ی غربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مطابق نتایج این بخش از تحقیق حاضر، زنان مسلمان از سطح اشتغال پایین‌تری برخوردارند. به‌علاوه، این وضعیّت به‌طور برجسته‌تری بر آن دسته از زنان مسلمان مصداق دارد که از حجاب و پوشش اسلامی استفاده می‌کنند و بدین ترتیب، هویّت مذهبی آنان به سهولت در بطن فرهنگ غربی علنی و شناخته می‌شود. در واقع، این دسته از زنان مسلمان محجّبه دارای پایین‌ترین سطح اشتغال هستند. بدین‌ترتیب،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

این الگو را می‌توان در چارچوب تئوری تبعیض مبتنی بر هویّت فرهنگی- مذهبی، کمابیش ناشی از پوشش و حجاب اسلامی این زنان مسلمان دانست. درعین‌حال، باید توجّه داشت که این الگوها را می‌توان از منظر حفظ و تداوم فرهنگی[1] نیز تبیین کرد که ناظر بر فرآیند جامعه پذیری جنسیتی(فروتن ۱۳۸۹و ۱۳۹۱) و تجربه‌های قبلی مهاجرین در جامعه‌ی زادگاهی و ترجیحات و تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی آنان(و نه الزاماً و تماماً نتیجه‌ی ساختار تبعیض‌آمیز بازار کار) است. ضمن آن‌که، معمولاً نتایج مطالعات کیفی، در مقایسه با تحقیقات کمّی، از ظرفیت بیش‌تر و قابلیت بهتری برخوردارند تا تأثیرات هویّت دینی را بر روی ابعاد چندگانه‌ی پدیده‌ی پیچیده «تبعیض و نابرابری» تعیین کنند. بدین‌ترتیب، تحقیقات و مطالعات کیفی می‌تواند نقش مفیدی در تکمیل نتایج تجزیه و تحلیل‌های کمّی این تحقیق داشته باشند.

در تبیین یافته‌های این تحقیق درخصوص پیامدهای نمادهای هویّت دینی مذهبی مانند حجاب و پوشش اسلامی در جوامع غربی، باید به دو نکته‌ی اساسی اشاره کرد. نکته‌ی اول مربوط به نقش بسیار تعیین‌کننده‌ی رسانه‌ها در مدیریت و جهت دهی افکار عمومی است. به‌عبارت دقیق‌تر، این شرایط به میزان زیادی ناشی از جهت‌گیری‌های یک‌سویه و افکار قالبی منفی در بازنمایی موضوعات مرتبط با جهان اسلام و مسلمانان از سوی رسانه‌های غربی است. محصول آن نیز تقویت پدیده‌ای موسوم به «اسلام هراسی»[2](ایمتوآل[3] ۲۰۰۶، هودل ۲۰۱۰) است؛ مفهومی که از اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ در بریتانیا مصطلح شد و سپس، به سرعت در سرتاسر جوامع غربی سایه افکند. به‌عنوان مثال، هم‌چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، نتایج یک تحقیق در زمینه‌ی جهت‌گیری‌های یک‌سویه رسانه‌های غربی طی یک دوره‌ی زمانی ده‌ساله از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ نشان داده است که در رسانه‌های غربی حجاب اسلامی زنان به عنوان «نماد

[1]- Cultural Maintenance and Continuity
[2]- Islamophobia
[3]- Imtoual

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

سیاسی منفی»(به‌ویژه در آمریکا و انگلیس) و «نماد ضد حقوق زن»(به‌ویـژه در آلمـان، فرانسه و سوئد) انعکاس یافته است(صفارودی ۱۳۸۹). به‌علاوه، می‌تـوان بـه تجربـه‌ی یک زن مسلمان محجّبه‌ی استرالیایی اشاره کرد که برای انجام یک مصاحبه به دفتر یک روزنامه محلی در جنوب این کشور دعوت شده بود. در پایان، عکاس روزنامـه از وی می‌خواهد تا حجاب خود را با یک پوشش پارچه‌ای کاملاً سـیاه رنـگ عـوض کنـد و صورت خود را نیز به‌گونه‌ای بپوشاند که فقط چشمان وی قابل دیدن باشد. وقتی ایـن زن مسلمان محجّبه مخالفت می‌کند و دلیل چنین درخواستی را جویا می‌شـود، عکـاس روزنامه به او اطلاع می دهد که مدیر روزنامه خواسته است که تصویر حجاب بـه ایـن شکل در روزنامه نشان داده شود(به نقل از ایمتوآل ۲۰۰٦: ۱۹۹). نکته‌ی جالـب توجّـه این است که در برخی موارد، شدّت نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان در جوامع غربی به حدّی است که حتّی اقلیت‌های قومی دیگـری کـه از لحـاظ نمادهـای فرهنگی مذهبی تا حدودی دارای تشابهات ظاهری با مسلمانان هستند نیـز در معـرض این گونه نگرش‌ها و رفتارها قرار می گیرند. به‌عنوان مثال، می‌توان به نتایج یک تحقیق جدید(سینق[1] ۲۰۱۰) برروی یک گروه اقلیت قومی دینی به‌نام سیک های هندی اشـاره کرد که در انگلستان زندگی می‌کنند. مطابق نتایج این تحقیق، این گـروه اقلیـت قـومی دینی نیز نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض آمیز را تجربه کـرده‌انـد. ایـن تحقیـق اسـتدلال می‌کند که چنین تجربه ای ناشی از این واقعیّت است که شهروندان بریتانیایی، این گروه اقلیـت قـومی دینـی را بـه جهـت برخـی تشـابهات ظـاهری در نمادهـای فرهنگـی مذهبی(مانند ریش و موهای بلند و پوششی که بر سـر مـی‌پیچنـد)، اشـتباهاً بـه‌عنـوان مهاجرین مسلمان فرض می کردند.

نکته‌ی دوم در تبیین یافته‌های این تحقیق درخصوص پیامدهای نمادهای هویّت دینی معطوف به جایگاه دین و باورهای مذهبی در این جوامع است. به عبـارت دیگـر،

[1]- Singh

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

باید نشان داده شود که در سطح عمومی، وضعیّت و جایگاه دین در این جوامع چگونه است. به‌عنوان مثال، دو تن از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر در حوزه‌ی جامعه‌شناسی دین، دیوید ووآس[1](۲۰۰۹) و اینگرید استورم[2](۲۰۰۹)، در تبیین نظریه‌ی خود مبنی بر روند نزولی و سیر قهقرایی دین و تعلقات مذهبی در میان شهروندان غربی به‌ویژه در اروپا از اصطلاحی با عنوان «ایمان متزلزل»[3] استفاده می کنند که اشاره به جمعیّت فزاینده‌ای دارد که نه مذهبی است و نه کاملاً غیر مذهبی. ووآس برای تأیید نظریه‌ی خود به نتایج بررسی‌های پیمایشی اجتماعی در اروپا[4] استناد می‌کند و نشان می‌دهد که تعلقات مذهبی هر نسلی نسبت به نسل پیشین ضعیف‌تر می‌شود. نکته‌ی قابل تأمل‌تر این است که در آن دسته از ممالک اروپایی که بالنسبه مذهبی‌تر هستند، این سیر نزولی تعلقات مذهبی با سرعت بمراتب بیش‌تری بوقوع می‌پیوندد. نتایج بررسی‌های پیمایشی جهانی ارزش‌ها[5] نیز مبیّن این است که حتّی کم تر از یک‌ششم شهروندان اروپایی معتقدند که دین و مذهب در زندگی روزمره‌ی آن‌ها مهم تلقی می‌شود(به نقل از فریجکا و وستوف[6] ۲۰۰۸: ۵). بدیهی است در چنین محیط‌های فرهنگی اجتماعی که تمایلات دینی بسیار ضعیفی در عرصه‌ی عمومی حکم‌فرماست، اقلیت‌های مذهبی در معرض چالش جدّی هستند؛ ضمن آن‌که، آن‌گاه که هویّت دینی این اقلیت های مذهبی در قالب نمادهایی مانند حجاب و پوشش اسلامی به‌وضوح در سطح عمومی جامعه عرضه و علنی شود، با چالش‌های بمراتب جدّی‌تر و عمیق‌تری نیز مواجه می‌شوند. در پایان، تأکید می‌ؤد که موضوع هویّت دینی و پیامدهای آن دارای ابعاد گوناگونی است و شناخت جامع آن مستلزم مطالعات و تحقیقات تکمیلی متعدد به‌ویژه مطالعات کیفی که

1- David Voas
2- Ingrid Storm
3- Fuzzy Fidelity
4- The European Social Survey (ESS)
5- The World Values Survey (WVS)
6- Frejka and Westoff

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در مقایسه با تحقیقات کمّی، از ظرفیت بیش تر و قابلیت بهتری در این خصوص برخوردارند، است. بدین ترتیب، تحقیقات بیش تر در آینده به‌ویژه مطالعات کیفی می‌توانند نقش مفیدی در تکمیل نتایج تجزیه و تحلیل‌های کمّی این تحقیق داشته باشند.

منابع

۱. حبیبی، مهدی(۱۳۸۹) «دیدگاه جوانان و میان‌سالان درباره‌ی حجاب برتر»، **مجله‌ی علوم رفتاری** بهار؛ ٤(۱):۷۷-۸۱.

۲. حسن زاده، مهدی و علمی، قربان(۱۳۸٦) «منشأ دین از دیدگاه پیتر ال. برگر»، **مقالات و بررسی‌ها**، ٤۰، شماره‌ی ۸۳، ٦۷-۸٦.

۳. حمیدی نفیسه، فرجی مهدی(۱۳۸۷) «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران» **تحقیقات فرهنگی ایران**؛ ۱(۱):٦٥-۹۲.

٤. جوادی یگانه، محمدرضا و هاتفی، حمیده(۱۳۸۷) «پوشش زنان در سینمای پس از انقلاب اسلامی»، **مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱، ٦۳-۷٦.

٥. زاهدزاهدانی سعید,دشتی عبداله(۱۳۸٥) «گرایش دانشجویان به انواع حجاب»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران** ۱(۱):۱۰۱-۱۲٤.

٦. شجاعی زند، علیرضا و همکاران(۱۳۸٥) «بررسی وضعیّت دین داری در میان دانشجویان»، **مطالعات دینی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲٦، ٥٥-۸۰.

۷. صفاوردی، سوسن(۱۳۸۹) «بازنمایی حجاب زن مسلمان در رسانه های غربی(جنبه‌های حقوقی و سیاسی)»، **مطالعات راهبردی زنان(کتاب زنان)** ۱۲(٤۸):۲۹٤- ۲۹٤.

۸. فروتن، یعقوب(۱۳۹۲) «چالش‌های خانواده ی معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرآیند گذار جمعیّتی»، **مسایل اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره‌ی دوم،(زیر چاپ).

۹. فروتن، یعقوب(۱۳۹۲) «استراتژی جامعه پذیری دینی در ایران»، **مطالعات ملّی، ٥۳**، سال چهارم، شماره‌ی ۲، ۷۳-۹٦.

۱۰. فروتن، یعقوب(۱۳۹۱) «بررسی اجتماعی و جمعیّت شناختی مناسبات هویّت و مهاجرت»، **مطالعات ملی**، سال سیزدهم، شماره‌ی ۲، ۷۳-۹٦.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۱. فروتن، یعقوب(۱۳۹۰) «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران»، **زن در توسعه و سیاست(پژوهش زنان)**، دوره نهم، شماره‌ی ۲، ۸۰- ۳۹.

۱۲. فروتن، یعقوب(۱۳۸۹) «جامعه پذیری جنسیتی در کتابهای درسی مدارس ایران»، **زن در توسعه و سیاست(پژوهش زنان)**، دوره هشتم، شماره‌ی ۳، ۱۹۵-۲۱۶.

۱۳. فروتن، یعقوب(۱۳۸۷) «جامعه‌شناسی دین و جنسیت: بررسی تئوریک و تجربی با تأکید بر اشتغال زنان»، **مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی(مسایل اجتماعی ایران ٦)**، سال شانزدهم، شماره‌ی ٦٣، ۱۰۷-۱۳۱.

١٤. میرعارفین، فاطمه سادات(١٣٨٦) "نقد و ارزیابی کتاب درسی دین و زندگی سال سوم دبیرستان با تأکید بر برنامه درسی"، **اندیشه‌های نوین تربیتی**، سال سوم، شماره‌ی ۱-۲، ۸۷-۱۱۹.

۱۵. مهرمحمدی، محمود و صمدی، پروین(۱۳۸۲) "بازنگری در الگوی دینی جوانان ونوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه"، **نوآوری‌های آموزشی**، سال دوم، شماره‌ی ۳، ۹-۳٤.

١٦. یعقوبی، پریسا(١٣٧٦) «تصویر زنان در تغییرات اجتماعی: بررسی کتاب‌های فارسی سال اول دبستان»، **مجموعه مقالات زن و توسعه‌ی فرهنگی**، تهران، دانشگاه الزهرا، چاپ اول.

17. Abraham, I(2006) "Hijab in an age of Fear: Security, secularism, and human rights" **Australian Religion Studies Review**, 19(2): 169-188.

18. Anker R.(1998) *Gender* **And Job: Sex Segregation of Occupations in the World**, International Labour Organization, Geneva.

19. Ashford L. S.(2001) "New Population Policy: Advancing Women's Health and Right", **Population Bulletin**, Vol. 56, Issue 1, Pp. 3-46.

20. Azzam H, J A Nasr and I Lorfing(1984) "An Overview of Arab Women in Population, Employment and Economic Development", IN: **Women, Employment and Development in the Arab World**, Ed: J A Nasr, N F Khoury, And H T Azzam, Mouton Publisher, Pp. 5-37.

21. Beitter, R. M. and Martinez, A. R(2010) **Women's roles in the Middle East and north Africa**, California: Greenwood.

22. Berg, B. L(2001) **Qulitative research method for the social sciences**, 4th ed. Boston, MA: llyn&Bacon.

23. Berry J W(1992) "Acculturation and Adaptation in a New Society", **International Migration**, Vol. xxx, Special Issue: Migration and Health in the 1990s. Pp. 69-101.

24. Betts, K. and E. Healy,(2006) "Lebanese Muslims in Australia and Social Disadvantage", **People and Place**, 14(1): 24-42.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

25. Body-Gendort, S(2007) "France upside down over a head scarf?", **Sociology of Religion**, 68(3): 289-304.
26. Boserup, E(1970) **Women's Role in Economic Development**, George Allen and UNWIN Ltd, London.
27. Bouma, G. D.(1994) **Mosques and Muslim Settlement in Australia**, Canberra: Australian Government Publishing Service.
28. Cindoglu, D(2010) **Headscarved Women in Professional Jobs: Revisiting Discrimination in 2010** [in contemporary Turkey], TESEV Publications.
29. Collins, J(1988) **Migrant Hands in a Distant Land: Australia's Post-War Immigration**, Pluto Press, Sydney and London
30. Carr M. and M. Chen(2004) "Globalization, Social Exclusion and Gender", **International Labour Review**, Vol. 143, No. 1-2, Pp. 129-160.
31. Dillon, M(2010) "Can post-secular society tolerate religious differences?", **Sociology of Religion**, 71(2): 139-156.
32. Epstein, C. F(2007) "Great divides: The cultural, cognitive, and social bases of the global Subordination of women", **American Sociological Review**, Vol. 72: 1-22.
33. Evans, S. L. and Bowlby, S(2000) "Crossing boundaries: Racialised gendering and the labour market experiences of Pakistani migrant women in Britain", **Women's Studies International Forum**, 23(4): 461-474.
34. Foster L, et al.(1991) **Discrimination against Immigrant Workers in Australia**, Canberra: The Bureau of Immigration Research for the International Labour Office.
35. Foroutan, Y(2014) "Social Change and Demographic Response in Iran(1956-2006)", **British Journal of Middle Eastern Studies**, forthcoming.
36. Foroutan, Y(2013) "Content Analysis of Religious Education in the Islamic Republic of Iran, pp. 49-67", IN: **Society, the State and Religious Education Politics**, Ergon Publishing House, Würzburg, Germany.
37. Foroutan, Y(2012) "Gender representation in school-textbooks of Iran: The place of language, **Current Sociology**, Vol. 50, Issue 6. Pp. 772-787.
38. Foroutan. Y**(**2011), **The Portrayal of Religious Teachings in the Books: A Case Study**, Paper presented to the 31st International Conference of International Society for Sociology of Religion, Aix-en-Provence, France, June 30-July 3.
39. Foroutan. Y**.**(2009) "Gender and religion: The status of women in the Muslim world", In P. Clarke and P. Beyer(Eds.), **The World's Religions: Continuities and Transformations**, London: Routledge Publication, pp. 225-238.
40. Foroutan, Y(2009) "Migration and Gender Roles: The Typical Work Pattern of the MENA Women", **International Migration Review**, Vol. 43, No. 4, pp. 974-992.
41. Foroutan, Y(2009) "Religion, Migration and Social Change: Christian-Muslim Differentials", **Australian Religion Studies Review**, Vol. 22, Issue 3, pp. 295-321.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

42. Foroutan. Y.(2008) "Migration differentials in women's market employment: An empirical and multicultural analysis", **International Migration Review**. Vol. 42, No. 3, pp. 677-705.
43. Foroutan. Y.(2008) "Women's employment, religion and multiculturalism: socio-demographic Emphasis", **Journal of Population Research**, Vol. 25, No. 1, pp. 163-190.
44. Franks, M(2000) "Crossing the boarders of whiteness? White Muslim women who wear hijab in Britain today"**, Ethnic and Racial Studies**, 23(5): 917-929.
45. Frejka, T. , & Westoff, C(2007) "Religion, religiousness and fertility in the US and in Europe", **European Journal of Population**, 24(1): 5-31.
46. Furseth, I(2011) "The Hijab: Boundary work and identity negotiations among immigrant Muslim women in the Los Angles area", **Review of Religious Research**, 52(4): 365-385.
47. Ghaffari, N(2009) **Beyond 9/11: American Muslim youth transcending pedagogies of stigma to resilience**, Claremont, CA: The Claremont Graduate University.
48. Hakim C(1996) **Key Issues in Women's Work: Female Heterogeneity and the Polarisation of Women's Employment**, Atlantic Highlands, NJ: Athlone, London.
49. Haddad, Y. Y(2007) "The Post-9/11 Hijab as Icon", **Sociology of Religion**, 68(3): 253-267.
50. Hallak, M. and Quina, K(2004) "In the shadows of the twin towers: Muslim immigrant women's voices emerge", **Sex Roles**, 51(5/6): 329-338.
51. Hessini, L(1994) "Wearing the Hijab in Contemporary Morocco: Choice and Identity", IN: Gocek, F. M. and Balaghi, S. **Reconstructing Gender in the Middle East: Tradition, Identity & Power**, New York: Columbia University Press.
52. Higgins, P. H. and Shoar-Ghafari P(1991) "Sex-role socialization in Iranian textbooks", **NWSA Journal**, Vol. 3, No. 2, pp. 213-232.
53. Hodl, K(2010) "Islamophobia in Austria: The recent emergence of anti-Muslim sentiments in the country", **Journal of Muslim Minority Affairs**, 30(4): 443-456.
54. Kabir N and R Evans(2002) "Muslims and the Australian Labour Market, 1980-2001", **Immigration & Minorities**, Vol. 21, No. 3, Pp. 70-95.
55. Kaiser, L.(2005) **Gender-Job Satisfaction Differences Across Europe: An Indicator for Labor Market Modernization**, *IZA(*Institute for the Study of Labor), Bonn: Discussion Paper No. 1876.
56. Kelley J and I McAllister(1984) "Immigration, Socio-Economic Attainment, and Politics in Australia", **The British Journal of Sociology**, Vol. 35, Issue 3, Pp. 387-405.
57. Killian, C(2006) **North African Women in France: Gender, Culture, and Identity**, California: Stanford University Press.
58. Imtoual, A(2006) "I didn't know if it was illegal for her to talk about my religion in a job interview", **Australian Religion Studies Review**, 19(2): 189-206.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

59. Moghadam V M(1999) "Gender and Globalization: Female Labor and Women's Mobilization", **Journal of World-System Researc***h*, Vol. V, 2, Pp. 367-388.

60. Moore, K. M.(2007) "Visible through the veil: The regulation of Islam in American Law", **Sociology of Religion**, 68(3): 237-251.

61. Oppong C(1993) "Occupational and Conjugal Inequalities and Insecurity: Effects on Family Organization and Size", IN: **Women's Position and Demographic Change**, Ed: N Federici, K O Mason, and S Sogner, Clarendon Press, Oxford, Pp. 339-239.

62. Persad, J. V. and Lukas, S(2002) **No hijab is permitted here**, The Canadian Heritage-Multiculturalism and City of Toronto.

63. Sapir, E(1929) "The status of linguistics as a science", **Language**, Vol. 5, pp. 207-214.

64. Savelkoul, P. et al(2010) "Anti-Muslim attitudes in the Netherlands: Tests of contradictory hypotheses derived from ethnic completion theory and intergroup theory", **European Sociological Revie***w*, First published online: July 25.

65. Siim, B(2009) **Religious rights and gender equality: Danish headscarf debates**, Paper to Workshop at Metropolis: Accommodating religious diversity on contemporary western societies, Copenhagen, Denmark.

66. Singh, J(2010) "Head first: Young British Sikhs, hair, and turban", **Journal of Contemporary Religion**, 25(2): 203-220.

67. Sorensen M(1993) **The Match between Education and Occupation for Immigrant Women in Canada**, Research Discussion Paper, No. 102, Population Research Laboratory /Department of Sociology, University of Alberta, Canada.

68. Storm, I(2009) "Halfway to Heaven: Four Types of Fuzzy Fidelity in Europe", **Journal for the Scientific Study of Religion**, 48: 702-718.

69. United Nations(2000) **The World's Women 2000: Trends and Statistics**, Social Statistics Indicators, Series K, No. 16, New York.

70. VandenHeuvel A. and M. Wooden(1996), **Non-English Speaking Background Immigrant Women and Part-Time Work,** Australian Government Publishing Service, Canberra, Australia.

71. Voas, D(2009) "The rise and fall of fuzzy fidelity in Europe", **European Sociological Review**, 25(2): 155-168.

72. Warburg, M(2011) **Counting Niqabs and Burqas in Denmark**, Presented at conference of the International Society for the Sociology of Religion, Aix-en-Provence, France, June 30- July 3.

73. Williams, R. H. and Vashi, G(2007) "Hijab and American Muslim women: Creating the space for autonomous selves", **Sociology of Religion**, 68(2): 269-287.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

74. Walby, S(1988) "Segregation in Employment in Social and Economic Theory", IN: **Gender Segregation at Work,** Ed: S Walby, Open University Press, Milton Keynes, Philadelphia, USA.

75. Ware, H(1993) "The Effects of Fertility, Family Organization, Sex Structure of Labour Market, and Technology on the Position of Women", IN: **Women's Position and Demographic Change**, Ed: N Federici, K O Mason, and S Sogner, Clarendon Press, Oxford, Pp. 259-285.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]